

Qualitative study of domestic violence against marginalized women based on the contextual method (case study: marginalized women of Khorramabad city)

Mohammad Taghi Sabzeei*

Amin Roshanpour**

Abstract

The current research is a qualitative study of domestic violence against women using the grounded theory method. The studied population is married women from the outskirts of Khorram Abad city. The purposeful and theoretical sampling method and the data collection tool was in-depth interview, and after interviewing 20 of these women, theoretical saturation was achieved. In order to analyze the data, Strauss and Corbin's approach was used. The findings show that the interviewed women have experienced a wide range of violence.

The central phenomenon of this study is "patriarchal attitude and helpless women against violence"; The causal conditions governing this phenomenon, the three categories of husband's addiction, economic issues, patriarchal attitude; The ruling bases of this phenomenon are power relations, domination of men and inferiority of women, lack of support from family and friends, lack of legal and social support; And the intervening conditions of the central phenomenon are the three categories of weak life skills, forced and early marriage. The strategies used by women in the face of violence are help from supportfamily networks, tolerance and coping, isolation and withdrawal, and resistance and finding solutions, which have consequences such as mental-psychological problems, turmoil in the family atmosphere.

* Assistant Professor of Sociology, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran (Corresponding Author), m.sabzehei@basu.ac.ir

** PHD student of Iran's social problems, Bu- Ali Sina University, Hamadan, Iran, amin.rushanpour@gmail.com

Date received: 07/12/2023, Date of acceptance: 04/02/2024



Keywords: domestic violence, marginalized women, contextual theory, patriarchal attitude, defenseless women against violence.

مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان حاشیه‌نشین براساس روش زمینه‌ای (مورد مطالعه: زنان حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد)

محمدتقی سبزه‌ای*

امین روشن‌پور**

چکیده

پژوهش حاضر، مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای است. جمعیت مورد مطالعه زنان متأهل حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد می‌باشد. روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق بود که بعد از مصاحبه با ۲۰ نفر از این زنان، اشباع نظری حاصل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد: زنان مورد مصاحبه طیف وسیعی از خشونت فیزیکی، خشونت‌های روانی، خشونت اقتصادی و خشونت اجتماعی را تجربه کرده‌اند. پدیده محوری این مطالعه «نگرش مردسالارانه و زنان بی‌پناه در برابر خشونت»؛ شرایط علی حاکم بر این پدیده، سه مقوله اعتیاد شوهر، مسائل اقتصادی، نگرش مردسالارانه؛ بسترهای حاکم بر این پدیده، مناسبات قدرت، استیلاي مردان و فرودستی زنان، عدم حمایت از طرف خانواده و اطرافیان، نبود حمایت قانونی و اجتماعی؛ و شرایط مداخله‌گر پدیده محوری نیز سه مقوله ضعف مهارت‌های زندگی، ازدواج اجباری و زودهنگام و دخالت اطرافیان می‌باشد.

* استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
(نویسنده مسئول)، m.sabzehei@basu.ac.ir

** دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، amin.rushanpoor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵



راهبردهای به کار گرفته شده توسط زنان در مقابل پدیده خشونت، کمک از شبکه های حمایتی خانوادگی و خویشاوندان، تحمل و کنار آمدن، انزوا و کناره گیری و مقاومت و چاره‌جویی می باشد که پیامدهایی همچون مشکلات روحی- روانی، آشفتگی جو خانواده و قربانی شدن فرزندان را به همراه داشته است. بنابراین برای خروج از این دور باطل به حمایت‌های دولتی و قانونی و تغییر نگرش افراد و جامعه و تقویت نهادهای غیردولتی در زمینه آگاه‌سازی و پیشگیری از خشونت های خانگی نیازمندیم.

کلیدواژه‌ها: خشونت خانگی، زنان حاشیه نشین، نظریه زمینه ای، نگرش مردسالارانه، زنان بی‌پناه در برابر خشونت.

۱. مقدمه و طرح مسئله

یکی از مهمترین و شایع ترین نوع بدرفتاری در خانواده خشونت علیه همسر است. پدیده همسر آزاری قدمتی به بلندای تاریخ بشریت دارد. مطالعه تاریخ بیانگر آن است که مردان بسیار بیشتر از زنان خشونت انجام می دهند. خشونت علیه زنان در تمام جوامع و در بین همه اقشار جامعه دیده می شود و خاص طبقه ای از جامعه یا کشوری خاص نیست.

همسر آزاری به هر گونه عمل خشونت آمیز شوهر علیه زن که منجر به صدمات روانی، جسمی، جنسی، اجتماعی و مالی در او می شود یا به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر سلامت او تاثیر داشته باشد، اطلاق می شود. همچنین این گونه رفتار می تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق آزادی و اختیار همسر و در حضور جمع یا در پنهانی صورت گیرد.

خشونت خانگی علیه زنان اختصاص به یک منطقه خاص جغرافیایی و یا سطح معینی از اقتصاد و رفاه ندارد و در همه جوامع و تمامی لایه های اجتماعی قابل ردیابی است. هر چند شیوع، نوع، شدت، عواقب و عوامل مساعد کننده این پدیده متفاوت است اما به نظر می رسد زنان در موقعیت های پایین تر اقتصادی و اجتماعی موقعیت های بدتر خشونت را تجربه می کنند و عواملی مانند سطح سواد پایین، درآمد کم، فقر، منابع اندک و مشکلات ناشی از فرزندآوری در افرادی که به خشونت دست می زنند یا قربانی خشونت می شوند، قابل توجه است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷). زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان و به مثابه انسان، حقوقی همسان با مردانند، بنابراین اگر خشونت به معنای عملی غیر انسانی در مورد انسان‌ها ناپسند به شمار می آید و نگوید نگوید، این پدیده در مورد زنان نیز صادق است (یزدخواستی و شیر، ۱۳۸۷). بر پایه برخی گزارشات، از هر ۳ زن، یک نفر در معرض خشونت است و تقریباً

یک سوم زنان جهان دستکم یکبار خشونت را تجربه کرده‌اند (براون و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۰۰۹). در ایران، خشونت مردان علیه همسران خود در استان‌های گوناگون با درجات متفاوتی دیده می‌شود.

استان لرستان یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌آید. اقتصاد منطقه همانند گذشته مبتنی بر کشاورزی و دامداری سنتی و مناسبات اجتماعی در این جامعه ی سنتی مبتنی بر خویشاوندی است. در چنین نظامی، استقلال و آزادی فرد از دست می‌رود و فرد باید تابع گروه باشد. تنوع قبیله‌ای و خصوصیات عشیره‌ای سبب گردیده که فرهنگ سنتی و عشایری بسیار قوی عمل کند. نظام خانوادگی مردسالار است یعنی نظامی که در آن اقتدار شوهر بر زن به پدید آمدن نوع خاصی از مناسبات قدرت در زناشویی و جایگاهی فرودست برای همسر و مادر می‌انجامد. مردان از زنان مقتدرند و از زنان انتظار می‌رود با عرضه ی خدمت خانگی به شوهران خود خدمت کنند و در صورت عدم تمکین، سزاوار خشونت‌اند. (ملکی و نژادسبزی، ۱۳۸۹).

حاشیه نشینی یکی از معضلات اصلی شهر خرم‌آباد می‌باشد. در شهر خرم‌آباد به عنوان مرکز استان لرستان، تعداد پانزده محله حاشیه نشین وجود دارد. از جمله محلات حاشیه‌ای خرم‌آباد می‌توان به محلات دره گرم شرقی و غربی، فلک‌الدین و میدان تیر، جهانگیر آباد و پاچنار، اسدآبادی و کرگانه، کوی علی‌آباد و شمشیر آباد، اسپستان و پشته مطهری، گل سفید و پشت بازار و ماسور اشاره کرد. بطور کلی و بر اساس مطالعات انجام گرفته، حاشیه نشینان خرم‌آباد از چند گروه تشکیل شده‌اند:

۱. کسانی هستند اهل شهر خرم‌آباد که از نظر اقتصادی جزء طبقات محروم جامعه شهری هستند و چون در محدوده شهر قادر به اجاره بها و یا خرید خانه نیستند، لذا در نقاط حاشیه شهر اقدام به احداث یا خرید سرپناهی نموده‌اند.

۲. خانوارهایی هستند که از روستاهای اطراف شهر خرم‌آباد یا روستاهای شهرهای همجوار بنا به شرایط اجتماعی و مشکلات اقتصادی از جمله نداشتن زمین و امکانات کشاورزی و نداشتن درآمد کافی و نیز جاذبه زندگی شهری از زادگاه و دیار خود کنده و به امید زندگی بهتر به این مناطق مهاجرت کرده‌اند و اکثر قریب به اتفاق خانوارهای حاشیه‌نشین از همین گروه هستند.

۳. گروه سوم که نسبت به گروه قبل تعداد کمتری هستند، خانوارهایی هستند که از استان‌های دیگر به علت نبود شغل مناسب در محل خود و وجود تعدادی از اقوام خود

در محلات حاشیه ای شهر، به این مکان‌ها مهاجرت کرده و بر تعداد حاشیه نشینان و آسیب آفرینان اجتماع شهری می‌افزایند.

با وجود مسئله مند بودن خشونت علیه زنان در استان لرستان، شهر خرم‌آباد به عنوان مرکز این استان با دارا بودن بیشترین جمعیت، سهم قابل توجهی از آمار خشونت علیه زنان را به خود اختصاص داده است. آمار و اطلاعات مراکز پزشکی قانونی در لرستان نیز نشان دهنده افزایش همسر آزاری در میان خانواده‌های شهر خرم‌آباد دارد. همچنین بخشی از خشونت علیه زنان به دلیل بافت اجتماعی و فرهنگی در لرستان و همچنین به دلیل ترس از آبرو ریزی و مورد قضاوت قرار گرفتن در آمارهای رسمی منظور نمی‌شود و به نوعی بخشی از خشونت خانگی در شهر خرم‌آباد پنهان است و به علل گوناگون گزارش نمی‌شود و لذا جزء آمار به حساب نمی‌آید.

تجارب چهارساله نگارنده به عنوان کارشناس اجتماعی در دفاتر تسهیلگری و توسعه محلی در محلات حاشیه شهر خرم‌آباد، مراجعه مکرر زنان حاشیه نشین که خشونت خانگی را تجربه کرده بودند به دفاتر تسهیلگری جهت کمک، مشاوره و حمایت و کنجکاوی جهت فهم و شناخت پدیده خشونت خانگی در محلات حاشیه، انگیزه‌ای شد برای انتخاب و واکاوی این مسئله.

پژوهش حاضر با تاکید بر محلات حاشیه نشین شهر خرم‌آباد از جمله محلات گل سفید، پشت بازار، فلک‌الدین و اسدآبادی قصد دارد با رویکردی درون‌نگرانه به فهم تجربه زنان از خشونت خانگی دست یابد که با توجه به محرومیت اقتصادی و اجتماعی به علت زیست مکانی و جغرافیایی ممکن است بیشتر مستعد این رخداد باشند، بنابراین تحقیق حاضر بدنبال این سوال است که زنان حاشیه نشین معمولاً چه نوعی از خشونت و آزار را از طرف همسران خود متحمل می‌شوند؟ علت‌ها و زمینه‌های اعمال خشونت خانگی علیه زنان حاشیه نشین کدام‌اند؟ این زنان معمولاً چه مکانیسم‌هایی را برای مقابله با این پدیده بکار می‌برند؟ و این نوع خشونت معمولاً چه تاثیری در جایگاه زن در درون خانواده و منزلت اجتماعی فرد دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

حسین‌آبادی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به «تاثیر عوامل جامعه‌شناختی بر کنش‌های خشونت‌آمیز خانگی علیه زنان خشونت‌دیده مراجعه‌کننده به مراکز اورژانس اجتماعی

مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان ... (محمدتقی سبزه‌ای و امین روشن‌پور) ۶۷

بهزیستی استانهای سراسر کشور» با روش پیمایش پرداخته‌اند. یافته‌ها وجود فراوانی اعمال خشونت در گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۹ سال را نشان می‌دهد که نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد خشونت علیه زنان با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، ناکامی اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی زوجین، نگرش‌های مردسالارانه، منزلت اجتماعی، بیکاری، فقر و اعتیاد رابطه دارد.

بهرامی و شریفی (۱۴۰۱) در پژوهشی به «مطالعه داده بنیاد خشونت خانگی علیه زنان شهرستان پلدختر مورد مطالعه روستاهای زیودار» پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که پدیده محوری این مطالعه «ساخت کج واره خانواده»؛ شرایط علی حاکم بر این پدیده، سه مقوله عدم رضایت اقتصادی زوجین، جنسیت‌نگری و عدم دسترسی به منابع؛ بسترهای حاکم بر این پدیده ایستارهای تهاجمی، خیر محدود و تحمیل هنجارهای اجتماعی همراه ساز؛ و شرایط مداخله‌گر بر پدیده محوری نیز سه مقوله رسانه و انتظارات جنسی تحقق نیافته مردان، فقر مهارت‌های ارتباطی، وابستگی زوجین به خانواده پدری و اطرافیان هستند. راهبردهای به کارگرفته شده توسط زنان در مقابل پدیده خشونت: انکارسازی خشونت، مشروعیت بخشی به خشونت و مقاومت فعالانه می‌باشد که پیامدهایی نظیر گسست عاطفی زوجین، بحران‌های روحی-انگیزشی، توسعه قابلیت‌ها و خود آگاهی سازی در جامعه مورد مطالعه را به دنبال داشته است.

رئیزی و بوستانی (۱۴۰۰) در پژوهشی به «مطالعه کیفی خشونت علیه زنان بلوچ» پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سیزده مقوله عمده، مردسالاری، سایه طلاق، اعتیاد، پدرمکانی، ننگ طلاق، ازدواج اجباری، ازدواج مجدد و تهدید به آن، انواع خشونت علیه زنان، خشونت خانواده‌ی شوهر، سیاست‌های محتاطانه‌ی خانواده‌ی مشارکت‌کننده، تحمل خشونت، انزوا و کناره‌گیری، طلاق ابزار قدرت مردان و یک مقوله هسته مردسالاری، گفتمان قدرت و خشونت علیه زنان را تشکیل می‌دهد.

زمانی مقدم و حسون‌دی (۱۳۹۸) در پژوهشی به «مطالعه کیفی خشونت علیه زنان خانه‌دار در شهر خرم‌آباد» پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که مسائل شوهر، موجب خشونت ورزی علیه زنان می‌شوند. با وجود این، وضعیت نامناسب اجتماعی این زنان و همچنین فرهنگ مردسالار حاکم بر این محله، زنان مورد مطالعه را در برابر خشونت شوهران، بی‌دفاع می‌کنند.

تعاونی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به «مطالعه جرم‌شناختی خشونت علیه زنان در شهر زاهدان» با روش کمی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند مردانی که به مواد مخدر اعتیاد

داشته‌اند نسبت به مردان غیر معتاد بیش تر به خشونت علیه زنان اقدام می‌کنند. همچنین پذیرش کلیشه‌ها و قالب‌های جنسیتی که به نفع مردان است از سوی زنان، خشونت علیه آنان را افزایش می‌دهد و نیز به هر میزان که پایگاه اقتصادی-اجتماعی مردان کاهش یابد، خشونت نیز افزایش می‌یابد.

کمیران (Camarin,2020) با استفاده از مصاحبه‌های کیفی با پاسخ‌دهندگان به خشونت علیه زنان در گوام، روایت‌های کنونی جامعه پیرامون خشونت علیه زنان را بررسی کرد، نتایج این مطالعه به نقش و تاثیر فرهنگ در خشونت علیه زنان اشاره دارد.

آلوز و همکاران (Alves et al,2019) به بررسی تاثیر سیاست‌های اخیر علیه خشونت خانگی در کشور پرتغال پرداخته‌اند. نتایج تحقیق، تاثیر مثبت این سیاست‌ها را نشان می‌دهد. از نظر نمونه ای از زنان که این سیاست‌ها بر آنها اعمال شده‌اند، رفتارهای خشونت‌آمیز کمتر به عنوان اموری عادی تلقی می‌شدند و این رفتارها به عنوان جرم و سوء استفاده‌های روان‌شناختی تعریف می‌شدند.

چیلدرس و همکاران (Childress,2019) به بررسی تأثیرات نامطلوب خشونت خانگی علیه زنان در قرقیزستان پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که زنان طیف وسیعی از استراتژی‌ها را برای پیشگیری و کاهش خشونت اتخاذ میکنند. آنان دو روش حفظ وضع موجود و ایستادگی در برابر آن در مواجهه با خشونت دارند.

کالوخه و همکاران (Kalokhe et al,2017) در یک مرور نظام مند دریافتند که خشونت خانگی در میان زنان هندی بسیار شایع است و این نوع خشونت موجب ضعف در سلامت روانی و جسمانی این زنان می‌شود. به طور میانگین، ۴۱ درصد از زنان هندی در طول زندگیشان در معرض خشونت خانگی قرار گرفته‌اند.

بیش‌تر مطالعات موجود به بررسی عوامل موثر بر خشونت و توصیف انواع خشونت و پیامدهای خشونت پرداخته‌اند، در حالی که در پژوهش حاضر به تجربه زنان حاشیه نشین از پدیده خشونت بیشتر توجه شده تا فهم عمیق‌تر و جامع‌تری از مسئله خشونت خانگی علیه زنان به دست آید. ضمن این که در جامعه هدف این پژوهش، تحقیقات اندکی در زمینه خشونت خانگی علیه زنان حاشیه نشین انجام گرفته است.

۳. چهارچوب مفهومی

در تحقیق کیفی، نظریه‌ها ذهن محقق را نسبت به مفاهیم و مقوله‌ها حساس می‌کند و محققان جهت طرح سوالات و چهارچوب مفهومی از آن بهره می‌گیرند که در اینجا به برخی از نظریات مرتبط با موضوع تحقیق اشاره می‌شود:

۱.۳ رویکرد فمینیستی

فمینیست‌ها معتقدند خشونت مردان در جهت محصور کردن زنان در نقشها و رفتارهایی که برایشان تعیین شده، به کار می‌رود و استدلال می‌کنند که خشونت به طور خاص، برای کنترل احساسات جنسی و نقشهای تولید مثل بکار می‌رود (Gambell, 2003:124). نظریه پردازان فمینیستی جهت تبیین خشونت علیه زنان بر وجود ساختار نابرابر روابط قدرت میان زنان و مردان تأکید می‌کنند که به مردان اجازه اعمال قدرت بر زنان را می‌دهد. در رویکردهای اصلی فمینیسم، خانواده جایگاه مبارزه جنسیتی و بازتولید اشخاص تلقی می‌شود. خانواده از اصول مهم سازمان دهنده مناسبات تولیدی فرماسیون اجتماعی در کل و نیز بستر ایدئولوژیک شالوده تفاوت جنسیتی و سرکوب زنان است (جاوید و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵۶). فمینیست‌ها معتقدند که چگونگی توزیع منابع مالی در خانواده بستگی به روابط قدرت میان زن و شوهر دارد و روابط قدرت به این امر بر می‌گردد که چه کسی حق تصمیم‌گیری دارد که پول خانواده چگونه و کجا صرف شود (آبوت و والاس، ۱۳۷۶: ۱۵۷). نظریه‌ی عدالت جنسیتی چافتز (Chafetz)، میان سه نوع از تعاریف جنسیت تمایز قایل می‌شود: ایدئولوژی جنسیتی، هنجارهای جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی. چافتز استدلال می‌کند که ایدئولوژی جنسیتی، الزاماتی را برای هنجارهای سنتی فراهم می‌آورد که به کلیشه‌های جنسیتی درباره‌ی تفاوت‌های بین مردان و زنان کمک می‌کند. این فرایندهای تعریفی در سطح کلان، تقریباً همه‌ی کنش‌های متقابل بین دو جنسیت را در بر می‌گیرد و مردان می‌توانند از این قدرت تعریف شده، برای تنظیم برخورد و مواجهه در سطح خرد بین خود و همسرانشان استفاده نمایند (ترنر، ۲۰۰۳: ۱۸۷).

۲.۳ نظریه سیستم‌ها

بر اساس نظریه سیستم‌ها، خشونت خانگی محصول کنش‌های متقابل همسران در سیستم زناشویی است و رفتار پرخاشگرانه‌ی یک مرد نسبت به همسرش، به عنوان نتیجه‌ای از سازوکارهای بازخوردی است که سیستم را تنظیم کرده و پایدار می‌سازد. پژوهشگران خشونت خانگی برای فهم خشونت زناشویی، نقش رابطه‌ی زناشویی را با توجه به الگوهای رابطه‌ای دو نفره مثل ارتباط، مهارت‌های حل مسئله و رضایت مندی از زندگی زناشویی بررسی کرده‌اند. با توجه به این الگوها، در بسیاری پژوهش‌ها، رضایتمندی از زندگی زناشویی به عنوان متغیری است که همواره با خشونت شوهران علیه همسران در ارتباط است (تانگ، ۲۰۰۳: ۳۸).

۳.۳ نظریه یادگیری اجتماعی

این نظریه را باندورا در دهه‌ی ۱۹۹۰ مطرح کرد. باندورا از جمله نظریه پردازان نظریه‌های اجتماعی - روانشناختی ریشه رفتارهای خشن را در محیط تعلیمی افراد می‌یابد ولی معتقد است فراگیری معمولاً تحت شرایط مستقیم (تنبیه یا تشویق) مشاهدات فردی صورت می‌گیرد و می‌تواند نتیجه تجارب شخصی فرد یا برگرفته از نتایج مرتب با رفتار سایر افراد باشد (کالموس و اولیری، ۱۹۸۴: ۱۱). به اعتقاد او فرزندان از طریق والدین خود خشن بودن را می‌آموزند. مشاهده و تجربه بدرفتاری از ناحیه‌ی والدین در دوران کودکی منجر به یادگیری رفتار سلطه‌پذیر توسط مرد و آموختن تحمل زن می‌شود (فوروارد، ۱۳۷۷: ۱۷۷).

۴.۳ نظریه فشار اجتماعی

مشکلات اقتصادی، بیکاری، کمبود درآمد؛ معمولاً موجب افزایش فشار و نگرانی در خانواده شده، گاهی اوقات این فشارها منجر به رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود. از طرفی ممکن است خشونت خود راهی برای برخورد با این فشارها باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که خانواده‌های فقیر و کم درآمد خشونت‌های خانگی بیشتری را تجربه می‌کنند و این امر به خاطر فشار و تنش‌هایی است که در مورد بیکاری، فقر و کمبود درآمد ایجاد می‌شود (سلزر و کالموس، ۱۹۸۸).

۵.۳ نظریه تضاد

ریشه‌های این نظریه در افکار کارل مارکس و رالف دارندروف وجود دارد. به طور کلی، خشونت از آنجایی شروع می‌شود که جایگاه افراد و همچنین خدماتی که دریافت می‌کنند دچار عدم تعادل شده باشند. اگر یک مرد همسر خود را کتک می‌زند یا والدین، فرزندان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و اگر بزرگترها به کوچک‌ترها بی‌احترامی کلامی می‌کنند، در واقع در مرحله‌ای هستند که قصد تحقیر طرف مقابل را دارند. تحقیر کردن در جامعه آن هم به این صورت که در جامعه شاهد آن هستیم موجب خشونت می‌شود (موریس، ۱۹۹۶: ۵۵).

۴. روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ ماهیت، کیفی و اکتشافی و از لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد. در این پژوهش، از پارادایم تفسیر‌گرایی اجتماعی و نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و نظری به انتخاب نمونه‌ها پرداخته شد. نحوه انتخاب و شناسایی نمونه‌ها بدین صورت بود که از طریق مراکز مثبت زندگی بهزیستی و دفاتر تسهیل‌گری در محلات حاشیه‌ای، ابتدا زنانی که تجربه خشونت خانگی را داشتند شناسایی و در مرحله بعد تعدادی از آنها که تمایل به همکاری در پژوهش را داشتند انتخاب شدند. پس از توضیح درباره طرح تحقیق و کسب اجازه از آن‌ها، مصاحبه با زنان انجام گرفت. روند نمونه‌گیری و انجام مصاحبه‌ها بر اساس اشباع نظری انجام گرفت. در این پژوهش، اشباع نظری با بیست زن انجام گرفته است.

میدان تحقیق شامل ۲۰ نفر از زنان حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد است که تجربه خشونت خانگی را در خانواده دارند. مصاحبه‌شوندگان از طبقات حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد انتخاب شدند از جمله مناطق گل سفید، پشت بازار، فلک‌الدین و اسدآبادی. مصاحبه‌ها اکثراً با زبان لری و لکی صورت گرفت و فرایند پیاده‌سازی انجام شد، مدت زمان مصاحبه از ۳۰ دقیقه تا ۹۰ دقیقه متغیر بود. تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های معمول در نظریه‌زمینه‌ای که عبارت‌اند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۴۵). در مرحله اول (کدگذاری باز) داده‌ها کشف و اسم‌گذاری شده و از لحاظ ماهیت مفهومی و معنایی در طبقه‌بندی‌های مشخص قرار گرفتند. در ادامه، رویدادها و مباحثی که از نظر مفهومی یا معنایی، ماهیتی مشابه داشتند، ذیل مفهومی انتزاعی و کلی‌تر به نام مقوله جای

داده شدند. در مرحله بعد، کدگذاری گزینشی در محور یک مقوله صورت گرفت و مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر ارتباط داده شدند. در نتیجه پس از بررسی دقیق داده‌ها و کدهای دو مرحله قبل، مقوله هسته‌ای انتخاب گردید. سؤال‌های تحقیق راجع به سه بعد بستر و زمینه‌ها، راهبردی و پیامدی پدیده خشونت خانگی می‌باشد و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به این سؤال‌ها و قرار دادن آنها در سه قالب بستر، شرایط و پیامدها، مدل پارادایمی تحقیق را تشکیل می‌دهد.

در این تحقیق جهت گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه عمیق و جهت بررسی قابلیت اعتبار داده‌ها از روش‌های زیر بهره گرفته شد:

۱. دقت و کفایت استنادات و کدبندی‌ها و همچنین فرآیند گردآوری داده‌ها و تنظیم آنها به صورت سیستماتیک و نظام مند ۲. توصیف ضخیم و غنی مصاحبه‌ها ۳. نظارت متخصصان یا مرور خبرگان ۴. اشباع داده‌ها تا بتوانیم از ساخت مفاهیم دقیق اطمینان پیدا کرد.

۵. یافته‌های تحقیق

۱.۵ یافته‌های توصیفی

جدول ۱. مشخصات شرکت‌کنندگان

کد	سن	سطح تحصیلات	شغل همسر
۱	۳۷	بی سواد	بیکار
۲	۴۴	پنجم ابتدایی	شوتی
۳	۳۵	پنجم ابتدایی	بیکار
۴	۲۶	دیپلم	بیکار
۵	۳۷	پنجم ابتدایی	بیکار
۶	۳۴	بی سواد	قاچاقچی
۷	۴۳	بی سواد	کارگر
۸	۳۲	بی سواد	بیکار
۹	۲۷	دیپلم	بیکار
۱۰	۳۹	بی سواد	بیکار
۱۱	۴۳	بی سواد	بیکار

کد	سن	سطح تحصیلات	شغل همسر
۱۲	۳۶	پنجم ابتدایی	بیکار
۱۳	۳۲	بی سواد	آزاد
۱۴	۳۷	پنجم ابتدایی	کارمند
۱۵	۲۵	دیپلم	آزاد
۱۶	۳۰	پنجم ابتدایی	بیکار
۱۷	۳۳	بی سواد	کارگر
۱۸	۳۵	بی سواد	کارگر
۱۹	۴۰	بی سواد	بیکار
۲۰	۳۷	پنجم ابتدایی	آزاد

از میان زنانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، جوان‌ترین آنها ۲۵ ساله و مسن‌ترین آنها ۴۴ ساله است. همچنین میانگین سن افراد مصاحبه‌شونده در زمان مصاحبه ۳۵.۱ سال و بیشترین فراوانی سنی مصاحبه‌شوندگان نیز در گروه سنی ۳۷ سال است. از لحاظ تحصیلات کمترین فراوانی مربوط به دیپلم با ۱۵ درصد و بیشترین فراوانی مربوط به بی سواد با ۵۰ درصد بوده است.

۲.۵ یافته‌های مطالعه

خشونت خانگی و ابعاد آن بر اساس درک زنان از خشونت خانگی و این که در خشونت خانگی چه معانی نهفته است و زنان مورد آزار درصدد انتقال چه معناهایی هستند از جمله موضوعات محوری در پژوهش حاضر است. زنان مورد مصاحبه طیف وسیعی از رفتار، حرکات و گفتار را از مصادیق خشونت و همسرآزاری دانسته‌اند.

۱.۲.۵ خشونت فیزیکی

این نوع از خشونت که دسته وسیعی از اعمال خشونت آمیز را در برمی‌گیرد عبارت از بد رفتاری و خشونت نسبت به جسم زن که ممکن است زنی که در معرض چنین رفتارهایی قرار می‌گیرد، انواع صدمات و حمله‌های بدنی را تجربه کند. زنان حاشیه‌نشین طیف وسیعی از خشونت جسمی را تجربه کرده‌اند.

کد ۴ می‌گوید: «شوهرم دست بزن داره، تا عصبی میشه از کوره در میره و به من پرخاشگری می‌کنه، همه بدنم کبود کرده از بس که با کمر بند زدم».

کد ۲۰ می‌گوید: «شوهرم زود عصبی میشه، سر مسائل کوچیک که جر و بحث می‌کنیم، شروع می‌کنه به شکستن وسایل خونه و من هل میدم، یک بار که هل ام داد سرم به دیوار خورد و بی هوش شدم، وقتی چشم باز کردم بیمارستان بودم».

۲.۲.۵ خشونت‌های روانی

نوع دیگری از خشونت و بدرفتاری که عمدتاً در مورد زنان در محیط خانواده اعمال می‌شود، بد رفتاری و خشونت روانی است. این نوع از خشونت لزوماً همراه با خشونت‌های بدنی نیست و ممکن است به تنهایی به عنوان یک ابزار تحقیرکننده و تضعیف‌کننده روحیه زنان توسط شوهران به کار گرفته شود. البته می‌تواند به طور غیرمستقیم نتیجه تبعی هر یک از خشونت‌های جسمی، جنسی و اقتصادی باشد.

کد ۸ می‌گوید: «شوهرم اصلاً من درک نمی‌کنه، تو زندگی مدام با صدای بلند بهم نم نسق (فحش و ناسزا) میزاره، اصلاً روم نمیشه از خونه بزمن بیرون، چون همسایه‌ها چند بار دیدن و منجی (میانجی‌گری) کردند».

کد ۱۷ می‌گوید: «شوهرم خانه گمونه (شک و سوء ظن) داره، من تو مهد کودک، کار نظافت و خدماتی انجام میدم، گاهی وقتها سرزده میاد، ببینه اونجا هستم یا نه، این رفتارها من عذاب میدم».

۲.۲.۵ خشونت اقتصادی

به مجموعه رفتارهایی که توانایی زن در امور مالی را محدود می‌کند نظیر کنترل شدید بر درآمدهای خانواده، دخالت در دارایی یا ارثیه زن، دخالت در حق اشتغال زن و به زور پول گرفتن از زن اطلاق می‌شود. برآورده نکردن نیازهای زن، خرجی ندادن به زن، اجبار زن به کار خارج از خانه، کنترل دائمی مخارج زن از جمله تجربیات زنان حاشیه نشین از خشونت اقتصادی می‌باشد.

کد ۱۳ می‌گوید: «به شوهرم میگم، بچه‌ها لباس و کیف برا مدرسه می‌خوان، تو پدرشونی براشون تهیه کن، میگه خودت بیرون کارکن و براشون تهیه کن».

مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان ... (محمدتقی سبزه‌ای و امین روشن‌پور) ۷۵

کد ۱۰ می گوید: «تو زندگی ام هر وقت گفتم یه لباس برام بگیر، نگرفت، مدام میگه پول نیست، شوهرم خسیس و میگه لباس نو می خوای چکار».

۴.۲.۵ خشونت اجتماعی

هر نوع استفاده شوهر از قدرت خود برای کنترل زن و سوء استفاده از او خشونت اجتماعی نامیده می شود. مخالفت شوهر با رفت و آمد زن، حبس کردن زن در خانه، مخالفت شوهر با رفت و آمد زن با دوستان و غیره از جمله تجربیات زنان حاشیه نشین از خشونت اجتماعی می باشد.

کد ۱۹ می گوید: «شوهرم تحقیرم می کنه، مدام به خانواده ام توهین می کنه و میگه اجازه نمیدم با خانواده ات ارتباط داشته باشی».

کد ۹ می گوید: «شوهرم شکاک، وقتی میره بیرون، در خونه قفل می کنه و من تو خونه حبس میشم».

یافته ها نشان می دهد خشونت خانگی در بین زنان حاشیه نشین در ابعاد مختلف وجود دارد. بیشترین میزان خشونتی که زنان تجربه کرده اند و در مصاحبه ها بیشتر بدان اشاره کردند خشونت جسمی و در مرحله بعد خشونت روانی بود.

۳.۵ شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها

یافته های این مطالعه در پارادایم اشتراوس و کوربین تحلیل شده اند.

جدول ۲. شرایط علی، زمینه ای، مداخله گر، راهبردها و پیامدها

	مفاهیم اولیه	مقولات عمده
شرایط علی	اعتیاد به الکل، استفاده از قرص های روان گردان، استفاده از مواد مخدر صنعتی از جمله شیشه	اعتیاد شوهر
	بیکاری، سختی کار، فقر مالی، تورم افسارگسیخته، پایین بودن سطح درآمد خانواده	مسائل اقتصادی
	نادیده انگاری زن، نگاه منفی به زن، بی اهمیت دانستن نظر زن	نگرش مردسالارانه

شرایط زمینه‌ای	مناسبات قدرت، استیلای مردان و فرودستی زنان	جبر اجتماعی برای تحمل خشونت، موقعیت فرودست زنان در جامعه، حمایت نکردن قوانین از زنان، عدم حمایت اقتصادی از زنان پس از جدایی، عادی جلوه دادن خشونت خانگی در خانواده
	عدم حمایت از طرف خانواده و اطرافیان	اعتیاد پدر، فوت مادر، زندانی شدن یکی از اعضاء خانواده، خودکشی پدر یا برادر، قطع ارتباط با فامیل
	نبود حمایت قانونی و اجتماعی	بی فایده دانستن مراجعه به کلانتری، دادگاه، پزشکی قانونی، سرزنش کردن قربانی (زنان)، دادن حق مسکن و فرزندان به مردان
شرایط مداخله‌ای	ضعف مهارت‌های زندگی	عدم شناخت کافی نسبت به ویژگی‌های روحی همدیگر، عدم درک متقابل، ضعف در مهارت گوش دادن، ضعف ارتباط کلامی، نبود فرهنگ گفت و گو
	ازدواج اجباری و زودهنگام	ازدواج در سن پایین، ازدواج با برادر قاتل، ازدواج به دلیل فرار از مشکلات خانواده، ازدواج به دلیل اعتیاد پدر، ازدواج به دلیل سربار بودن در خانواده
	دخالت اطرافیان	دخالت خانواده همسر، زندگی مشترک با خانواده همسر، قهر با یکی از اعضای خانواده همسر
راهبردها	کمک از شبکه‌های حمایتی خانوادگی و خویشاوندان	کمک از پدر، کمک از برادر، کمک از ریش سفید فامیل
	تحمل و کنار آمدن	کنار آمدن با شرایط، سکوت کردن، کتمان خشونت، پناه بردن به دعا و اهل بیت، رفتن به اماکن مذهبی
	انزوا و کناره‌گیری	قهر کردن، ترک خانه، اقدام به خودکشی
	مقاومت و چاره‌جویی	مراجعه به کلانتری، پزشکی قانونی و دادگاه، کمک از مراکز مشاوره و روانشناسی
پیامدها	مشکلات روحی-روانی	گرایش به خودکشی، استرس‌های روانی، افسردگی و اختلالات روانی، ترس از شوهر و اطرافیان، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس
	آشفتگی جو خانوادگی	سرد بودن روابط خانوادگی، افزایش تنش در خانواده، بی‌اعتنایی، فقدان صمیمیت در خانواده
	قربانی شدن فرزندان	افت تحصیلی فرزندان، پرخاشگری فرزندان، اعتیاد فرزندان

۱.۳.۵ شرایط علی

۱.۱.۳.۵ اعتیاد شوهر

یکی از چالش‌های عمده خانواده‌های سوء مصرف‌کنندگان، خشونت است. لرستان به دلیل آنکه جزء استان‌های توسعه نیافته در کشور است و همچنین از لحاظ بیکاری جز رتبه‌های

مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان ... (محمدتقی سبزه‌ای و امین روشن‌پور) ۷۷

اول در سطح کشور است و بیکاری از آنجا که به طور غیر مستقیم از عوامل معنی دار در بروز و شیوع اعتیاد است از استان های درگیر در شیوع اعتیاد محسوب می شود. بر اساس اظهارات مشارکت کنندگان، اعتیاد شوهر یکی از عوامل تاثیرگذار در ایجاد اختلافات خانوادگی و بروز خشونت های خانگی است.

کد ۱۱ می گوید: «شوهرم معتاده، زمانی که خماره هر چی از دهنش بیرون میاد بهم می‌گه و شروع می‌کنه به کتک کاری».

کد ۲۲ می گوید: «شوهرم شیشه مصرف می‌کنه، چند بار بهش گفتم بیا تا بیرمت ترک کنی، قبول نمی‌کنه، وقتی شیشه مصرف می‌کنه، توهم می‌زنه، مدام سوء ظن پیدا می‌کنه، تا جروبختی میشه با سیلی و مشت من می‌زنه».

۲.۱.۳.۵ مسائل اقتصادی

استان لرستان در چند دهه گذشته همواره رتبه اول بیکاری را در کشور به خود اختصاص داده است. با توجه به شرایط بد اقتصادی جامعه لرستان، تورم افسارگسیخته، آمار بالای بیکاری و شاخص بالای فلاکت در استان لرستان، افزایش حجم مسائل اجتماعی مانند خشونت خانگی دور از انتظار نمی باشد. از جمله دلایل خشونت خانگی که مصاحبه شوندگان اذعان داشتند، بیکاری شوهر و مسائل اقتصادی می باشد.

کد ۱۸ می گوید «از وقتی شوهرم بیکار شد، سرمسائل کوچیک زود عصبی میشه و شروع میکنه به داد و بیداد و کتک کاری».

کد ۱۴ می گوید: «همسرم قبلا در شرکتی کار می‌کرد، بعد از این که کار شرکت تموم شد، اونم از کار بیرون شد، مشکلات مالی و بیکاری باعث شده که تو زندگی مدام اختلاف داشته باشیم».

۳.۱.۳.۵ نگرش مردسالارانه

بر اساس زمینه های فرهنگی و اجتماعی در جامعه لرستان، مردان نسبت به زنان از اهمیت و منزلت بالاتری برخوردارند و قدرت نمایی و سلطه مردان بر زنان نوعی ارزش محسوب می شود.

کد ۱ می گوید: «تو جامعه به مرد حق میدن که چون مرده هر طوری دلش می خواد به زنش سخت بگیره و ادب اش کنه».

کد ۱۲ می گوید: «تو جامعه از ما زن ها توقع دارند هرچی مردها می‌گن بی چون و چرا اطاعت کنیم».

۲.۳.۵ شرایط زمینه‌ای

۱.۲.۳.۵ مناسبات قدرت، استیلای مردان و فرودستی زنان

در جامعه ی لرستان که فرهنگ سنتی غالب است و از الگوهای سنتی پیروی می کند، مرد سالاری بخصوص در محلات حاشیه ای پررنگ است. مردسالاری، وضعیتی است که در آن مردها قدرت و حاکمیت بالایی نسبت به زن ها دارند. در اکثر جوامع مردسالار، مردان سهم بیشتری از مزایای اجتماعی همچون قدرت، ثروت و احترام دارند. تداوم قدرت نظام مردسالاری ناشی از دسترسی بیشتر مردان به مزایای ساختارهای قدرت در درون و بیرون از خانواده و همچنین به واسطه ی تقسیم کردن این مزایای اجتماعی در جامعه است.

کد ۱۷ می گوید: «شوهرم تحت تاثیر خانواده اش ، مادرش بهش میگه تو مرد نیستی که زنت ازت ترس نداره، کسی مرد که زنش تحت کنترلش باشه و هرچی مردش بگه، اونم بگه چشم».

کد ۵ می گوید: «تو فرهنگ ما لرها، کتک زدن زن جا افتاده، اون نوعی تربیت برا مدیریت بهتر زندگی می دونند».

۲.۲.۳.۵ عدم حمایت از طرف خانواده و اطرافیان

حمایت اجتماعی یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و دیگران برای او ارزش قائلند و این که او به یک شبکه اجتماعی متعلق است. منابع ارائه حمایت اجتماعی بسیار گوناگون است و محیط خانواده به عنوان محل کسب اولین تجارب حمایت اجتماعی و منابع دیگری از قبیل: خانواده، گروه همسالان، دوستان، خویشاوندان در این طیف گسترده قرار می گیرند.

کد ۶ می گوید: «شوهرم خیلی من کتک می زنه، از بس اذیتم کرده تو زندگی که ازش متنفرم، منتها کسی ندارم پشتم بگیره».

کد ۲۰ می‌گوید: «پدرم معتاد و مادرم فوت شده، من آگه خانواده درست و حسابی داشتم، شوهرم جرات نمی‌کرد من بزنه».

۳.۲.۳.۵ نبود حمایت قانونی و اجتماعی

رابطه سازمان‌های قانونی با زنان، نه تنها از طریق قوانین بر تبعیض میان زن و مرد بنا شده است، بلکه نشان دهنده بی‌قدرتی زن در برخورد با این سازمان‌های مردانه است که به طور ضمنی، حتی در مواردی با یادآوری رعایت حال زنان، از مردان دفاع می‌کنند. یکی از دلایلی که سبب می‌شود این سازمان‌ها قادر به دفاع از زنان در برابر مشکلات خانوادگی نباشند، ساختار مردانه آنهاست. اما مواردی نیز وجود دارد که نیروی انتظامی، پزشک قانونی و حتی قاضی، با توجه به نبود امکانات برای زندگی زن بعد از جدایی یا حتی محکومیت شوهر، برای آشتی دادن زن و شوهر کوشش می‌کنند (اعزاز، ۱۳۸۰: ۱۸۵-۱۸۴).

کد ۹ می‌گوید: «بعد از درگیری با شوهرم، ازش شکایت کردم، رفتم کلاتری و دادگاه، هر چی گفتم دست بزن داره، همشون گفتند حساس نباش، درست میشه، هیچ حمایتی نکردند».

کد ۱۴ می‌گوید: «رابطه ام با شوهرم خوب نیست، منتها پیش خودم فکر می‌کنم آگه طلاق بگیرم، کسی نیست ازم حمایت کنه، شرایط ام بدتر میشه».

۳.۳.۵ شرایط مداخله‌گر

۱.۳.۳.۵ ضعف مهارت‌های زندگی

مهارت‌های زندگی، عناصری را شامل می‌شوند که سطح سازگاری و عملکرد ثابت سودمند را مهیا سازد، این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازد مسئولیت نقش اجتماعی خود را بپذیرند و بدون آن که سلامت روانی خود و هم‌نوعان خود را به خطر اندازد با توقعات و چشم‌داشت‌هایی که در روابط بین‌اعضای جامعه موجود است به شکل موثری مواجه شود.

کد ۱۵ می‌گوید: «همسر آدم اجتماعی نیست، کلا نسبت به من بی‌تفاوت، خیلی سرد برخورد می‌کنه، هیچی اندازه این بی‌تفاوتی یه زن آزار نمیده».

کد ۱۷ می‌گوید: «شوهرم اهل گفت و گو کردن نیست. می‌خواد کاری انجام بده، اصلا با من مشورت نمی‌کنه، خودش هر چی دوس داره رو انجام میده، بدون اینکه نظر من بپرسه».

۲.۳.۳.۵ ازدواج اجباری و زودهنگام

ازدواج اجباری در جوامع مردسالار و سنتی بیشتر دیده می‌شود. در جامعه لرستان ازدواج با خواهر قاتل به عنوان رسم خون بس و رسم و رسوماتی از این قبیل هنوز دیده می‌شود. در این نوع ازدواج‌ها اجبار در ازدواج به عنوان امری معمول تلقی می‌شود و در این نوع ازدواج‌ها به رضایت دو طرف خصوصاً دخترها کمتر بهایی داده می‌شود.

کد ۳ می‌گوید: «برادرم تو روستا به خاطر اختلاف سر زمین‌ها، یکی از اهالی روستا کشت، این شد که برا آشتی بین دو تا طایفه، من به عقد خانواده مقتول درآوردند، اون موقع من ۱۲ سال‌ام بود و شوهرم ۲۳ سال».

کد ۸ می‌گوید: «بابام معتاد بود، وضع خانوادگی مون هم خوب نبود، برا این که سر بار خانواده نشم، تو سن پایین من شوهر دادند».

۳.۳.۳.۵ دخالت اطرافیان

بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان، دخالت اطرافیان یکی از عوامل مداخله‌گر دربروز خشونت‌های خانگی است.

کد ۷ می‌گوید: «زندگی مشترک با خانواده همسر سختی‌های زیادی داشت، مادر شوهرم تو زندگی مون دخالت می‌کرد، این دخالت‌ها باعث شد شوهرم به من فحش بده و کتکم بزنه».

کد ۱۹ می‌گوید: «شوهرم حرف شنوی زیادی از خانواده اش داره و هرچی اون‌ها بگن انجام میده، اگه اون‌ها بد من بگن، اونم به من فحش میده و باهام بد برخورد میکنه». کد ۸ و ۱۶ به همین ترتیب.

۴.۳.۵ راهبردها

زنان بعد از اعمال خشونت‌هایی که از سوی شوهران انجام می‌گیرد، راه حل‌ها و راهبردهای مختلفی در برابر خشونت اتخاذ می‌کنند، از جمله این راهبردها که زنان بیان کردند می‌توان به ۱. کمک از شبکه‌های حمایتی خانوادگی و خویشاوندان ۲. تحمل خشونت ۳. انزوا و کناره‌گیری ۴. مقاومت و چاره‌جویی اشاره کرد.

۱.۴.۳.۵ کمک از شبکه‌های حمایتی خانوادگی و خویشاوندان

زنان در مقابل خشونت گاه از طریق شبکه‌های حمایتی اقدام به مقابله یا کاهش خشونت می‌کنند. در جوامعی همچون لرستان این روش بیشتر مرسوم است. در این موارد فرد از خویشاوندان نزدیک خود می‌خواهد که با استفاده از زبان تهدید یا نصیحت مرد را از خشونت علیه زن بازدارد و معمولاً در همچنین مواردی شبکه‌های خویشاوندی و بزرگان فامیل نقش مهمی در کنترل خشونت مردان دارند. در برخی موارد این شبکه‌ها، ضمن اظهار همدردی با مرد با نوعی ترحم از وی می‌خواهند از کتک زدن زن خویش اجتناب کند.

کد ۲۰ می‌گوید: «چند باری که شوهرم تو زندگی بدمن کبوده کرده و کتکم زده، بهش گفتم اگه من نمی‌خوای و این طور می‌خوای برخورد کنی، میرم به فامیل‌ها میگم که بیان تکلیفات مشخص کنند».

کد ۳ می‌گوید: «یه بار به داداشم گفتم، شوهرم تو زندگی اذیتم می‌کنه و دست روم بلند می‌کنه، اونم تهدیدش کرد و گفت تکرار بشه، دمار از روزگارت درمیارم».

۲.۴.۳.۵ تحمل و کوتاه‌آمدن

عادی جلوه دادن خشونت، کنار آمدن با شرایط، سکوت کردن، کتمان خشونت، پناه بردن به دعا و اهل بیت و رفتن به اماکن مذهبی از جمله شایع‌ترین راهبردهای زنان برای حفظ و مدیریت بهتر زندگی بوده است.

کد ۱۱ می‌گوید: «سعی می‌کنم با شرایط شوهرم کنار بیام، این طور شاید به مرور آرام بشه و دیگه کتک کاری نکنه».

کد ۷ می‌گوید: «وقتی شوهرم باهام خوب نیست یا اذیتم می‌کنه، میرم امام زاده، اونجا دعا می‌کنم این شرایط بد تموم بشه و شوهرم دیگه باهام خوب باشه». کد ۶ و ۹ به همین ترتیب.

۳.۴.۳.۵ انزوا و کناره‌گیری

کد ۱۱ می‌گوید: «شوهرم از بس تو زندگی اذیتم کرده، حاضرم بمیرم، حتی یه بار دست به خودکشی زدم، وقتی چشم باز کردم، رو تخت بیمارستان بودم».

کد ۱۲ می‌گوید: «وقتی شوهرم عصبی و می‌خواد پرخاشگری کنه، سعی می‌کنم برم بیرون، وقتی آرام شد برگردم خونه». کد ۹ و ۱۹ به همین ترتیب.

۴.۴.۳.۵ مقاومت و چاره‌جویی

کد ۸ می‌گوید: «شوهرم چند بار کتکم زد، یه مرتبه دستم شکست، منم رفتم کلانتری و پزشکی قانونی».

کد ۱۷ می‌گوید: «شوهرم وقتی تحقیرم میکنه و میریزم بهم، به مرکز مشاوره محله میرم و با مسئولش درد و دل می‌کنم و از اون‌ها کمک می‌گیرم». کد ۱۲ و ۱۸ و ۲۰ به همین ترتیب.

۵.۳.۵ پیامدها

مشکلات روحی - روانی، آشفتگی جو خانواده و قربانی شدن فرزندان از جمله پیامدهای خشونت خانگی بود که زنان به آنها اشاره کردند.

۱.۵.۳.۵ مشکلات روحی - روانی

گرایش به خودکشی، استرس‌های روانی، افسردگی و اختلالات روانی، ترس از شوهر و اطرافیان، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس از جمله شایع‌ترین مشکلات روحی - روانی بود که زنان پاسخگو به عنوان پیامدها بدان اشاره کردند.

کد ۳ می‌گوید: «تحقیق‌های شوهرم باعث شده، افسرده بشم و اعتماد به نفس ام ضعیف بشه».

کد ۱۱ می‌گوید: «شوهرم از بس کتکم زده، تا حالا دوبار اقدام به خودکشی کردم ولی نجاتم دادند».

۲.۵.۳.۵ آشفتگی جو خانواده

کد ۲ می‌گوید: «از وقتی شوهرم کتکم زده، دیگه اون ارتباط خوب با همدیگه نداریم و رابطه‌مون نزدیک یک سال سرد».

کد ۷ می‌گوید: «از وقتی شوهرم بهم سخت گرفته و مدام کنترل ام می‌کنه، با هم کلی تنش داریم».

۳.۵.۳.۵ قربانی شدن فرزندان

کد ۲ می‌گوید: «فحش‌ها و پرخاشگری‌های شوهرم باعث شده پسر من مثل قبل درس نخونه و مدام استرس داره، این‌ها باعث شده تو درس هاش عقب بیفته».

کد ۱۲ می‌گوید: «اذیت و آزارهای شوهرم رو بچه‌ام تاثیر گذاشته، اونم مدتی زود عصبی میشه». کد ۲ و ۱۹ به همین ترتیب.

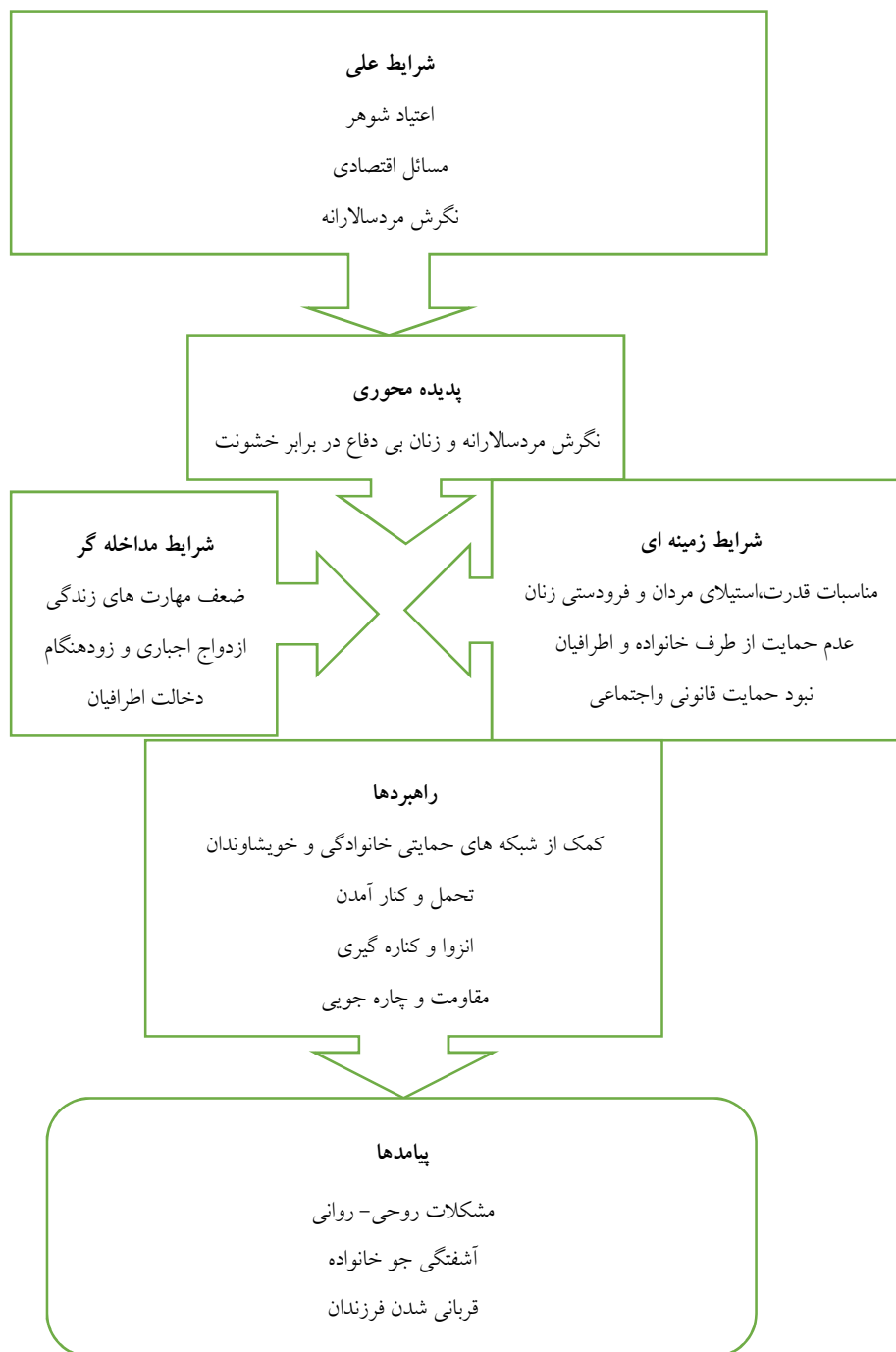
۶.۳.۵ مقوله هسته: نگرش مردسالارانه و زنان بی‌دفاع در برابر خشونت

مقوله هسته در بردارنده مضمون اصلی پژوهش است که از تمامی مقولات تحقیق انتزاع و می‌تواند در چند کلمه خلاصه گردد، به طوری که تمامی مقولات و مفاهیم به دست آمده را دربر گیرد. طبق تحلیل‌هایی که بر روی متن مصاحبه‌ها انجام شد، مقوله اصلی «نگرشمردسالارانه و زنان بی‌دفاع در برابر خشونت» پدید آمد.

در محلات حاشیه‌نشین و فقیر خرده فرهنگ "مردسالاری" بیشتری حاکم است در این زمینه فرهنگی، مرد باور دارد که زن هرچند خواسته‌هایش به حق باشد باید سکوت کند و تابع مرد باشد. قدرت گرفتن زن را ملازم با ضعف مرد می‌دانند، در چنین محلاتی فشار جمعی خانوادگی و محله‌ای به خشونت بیشتر علیه همسر کمک می‌کند. گاهی مرد با وجود اعتیاد و ناتوانی از رفع نیازهای خانواده ولی همچنان خود را حاکم خانواده می‌داند و در مقابل خواسته‌های زن و فرزندان برای سکوت آنها دست به خشونت می‌زند و اقتدار خویش را که در حوزه‌های دیگر بیرون و درون از خانواده ضعیف شده است می‌خواهد در درون خانواده بیشتر نشان دهد. از این رو در این محلات حتی به نوعی خشونت علیه زن مثبت تلقی می‌گردد و اعتیاد و فقر و درماندگی به نوعی به تقویت این ارزشهای مردسالارانه کمک کرده است. هم‌چنین در فرهنگ‌های جمع‌گرا و پدرسالار در ساختار قدرت خانواده نقش زن به عنوان فرودست تعیین شده است و هر نوع چالشی نسبت به این وضعیت تحمل نمی‌شود و رفتار زن به عنوان عصیانگر و سرکش تعبیر می‌شود و هنجارهای اجتماعی جامعه به مرد این حق را می‌دهد که به تادیب و آزار زن پردازد و در درون خانواده مرد خود را مقید به توضیح منطقی عملکرد خود به زن نمی‌داند. در این چارچوب نقش مرد به عنوان پرخاشگر گاه مورد تکریم قرار می‌گیرد. این تکریم مخصوصاً از طرف خانواده مرد همراهی می‌شود و خانواده زن به این موضوع تن داده و زن را به عدم تحریک مرد و حساس نمودن او و نوعی انطباق و سازگاری با

وضع موجود ترغیب می‌کنند. این دعوت به نوعی انطباق منفعل در فرهنگ عمومی جامعه وجود دارد (سوختن و ساختن).

بر اساس یافته‌ها می‌توان خشونت علیه زنان را برآیند شرایطی دانست که در بستر آن‌ها، ابعاد مختلفی از کنش‌های خشونت‌آمیز توسط شوهر علیه همسر شکل عملی به خود می‌گیرد؛ الف) شرایط علی یا سبب ساز که منظور آن دسته رویدادها و وقایع اند که بر پدیده اثر می‌گذارند ب) شرایط زمینه‌ای که مجموعه‌ای از شرایط اند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا بستر لازم برای شکل‌گیری پدیده را فراهم کنند ج) شرایط مداخله‌گر آنهایی که شرایط علی را تخفیف و یا تشدید و یا به نحوی تغییر می‌دهند د) راهبردهای مواجهه‌ی زنان خشونت‌دیده ه) پیامدهای خشونت علیه همسر بر زندگی زنان که در مدل پارادایمی زیر بر اساس روش نظریه زمینه‌ای قابل ترسیم است.



شکل ۱. الگوی پارادایمی نگرش مردسالارانه و زنان بی دفاع در برابر خشونت

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی بود که منطبق خاصی را بر گزید تا درک، معنا و تجربه زنان حاشیه نشین شهر خرم آباد را از پدیده خشونت خانگی را بررسی کند. به این منظور ۲۰ نفر از زنان متأهل حاشیه نشین شهر خرم آباد که تجربه زیسته خشونت خانگی را در زندگی داشته‌اند انتخاب و بررسی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد خشونت خانگی در بین زنان حاشیه نشین در ابعاد مختلف وجود دارد. بیشترین میزان خشونت‌ی که زنان تجربه کرده‌اند، خشونت جسمی و روانی است. برآیند و نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که پدیده خشونت شوهران علیه زنان مورد مطالعه تحت تأثیر شرایطی قرار دارد. این شرایط را می‌توان به سه دسته شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر تقسیم کرد. شرایط علی یا سبب ساز خشونت شوهران علیه زنان، مسائل شوهر از قبیل اعتیاد، مسائل اقتصادی و نگرش مرد سالارانه هستند. شرایط زمینه‌ای مانند مناسبات قدرت، استیلای مردان و فرودستی زنان، عدم حمایت از طرف خانواده و اطرافیان و نبود حمایت قانونی و اجتماعی موجب می‌شوند تا زمینه خشونت ورزی مردان علیه زنان فراهم شود. همچنین شرایط مداخله‌گر از قبیل ضعف مهارت‌های زندگی شوهر، ازدواج اجباری و زود هنگام و دخالت اطرافیان در پدیده خشونت علیه زنان دخیل بوده و به آن دامن می‌زند. در این بین راهبردهای زنان در مواجهه با پدیده خشونت خانگی، کمک از شبکه‌های حمایتی خانوادگی و خویشاوندان، تحمل و کنار آمدن، انزوا و کناره‌گیری و مقاومت و چاره‌جویی می‌باشد که پیامدهایی همچون مشکلات روحی- روانی، آشفتگی جو خانواده و قربانی شدن فرزندان را به همراه دارد.

خشونت و رفتار خشونت‌آمیز ریشه در ساختار اجتماعی دارد که افراد در آن پرورش می‌یابند. سیاست‌های کلان نیز نقش عمده‌ای در بازتولید و تداوم خشونت علیه زنان دارند. تمکین اجباری زن به خواسته‌های مرد، کودک همسری، چند همسری، حق حضانت و طلاق از جمله حقوقی هستند که در جامعه به طور یک طرفه به مرد داده شده است. در واقع این اختیار و قدرت مطلق که قانون به مردان داده است نوعی صدور مجوز خشونت علیه زنان است.

ریاست مرد بر خانواده و قدرت وسیعی که قانون و عرف به او اهدا کرده، زمینه ساز اعمال خشونت علیه زنان در حوزه خصوصی خانواده است. خشونت خانوادگی در جامعه دلایل مشخصی دارد. یک وجه خشونت ریشه در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران دارد که همواره خشونت به مثابه یک راه حل اختلافات و سلطه وجود داشته و به رسمیت شناخته می‌شده است و بازتولید این پدیده در خانواده نیز در قالب خشونت خانوادگی بوده است. وجه دیگر آن

ناشی از وضعیت در حال گذار جامعه ایران است که موجب شده مسائل و اختلافات بین فردی و خانوادگی بیش تر شود اما در عین حال راه حل ها و روش های حل اختلاف کم تر در دسترس باشد، به همین دلیل در غیاب روش های حل اختلاف معقول و منطقی خشونت اولین و سریع ترین گزینه روش حل اختلاف خواهد بود. همچنین نظام حقوقی ایران و شیوه‌های اثبات دعوا در ایران به ضرر زنان است؛ زیرا این شیوه ها در صورت استتکاف مرد از پذیرش مسئولیت عمل خشونت آمیز برای اثبات ادعاهای زن در خصوص خشونت مردان کارآیی ندارد (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). راه کار کلیدی و مهمی که لازمه کنترل خشونت علیه زنان در ایران به شمار می رود، آگاه سازی دولت از تکالیفی است که ضرورت حمایت از حقوق شهروندی نیمه ای از جمعیت کشور را تذکر می دهد. تفهیم حقوق شهروندی به زنان و تغییر این باور غلط در آنها که زنان شهروندان درجه دوم نیستند نیز راه کاری است ضروری و تکمیلی که چنانچه به اجرا گذاشته شود، گامی است استوار به سوی هدف. همچنین انتخاب راه کار مناسبی که ساختار ذهنی مردان ایران را تغییر دهد، در پیوند با سایر راه کارها اثرگذار است. بنابراین برای خروج از این دور باطل به حمایت های دولتی و قانونی، تغییر نگرش افراد و جامعه، تقویت نهادهای غیردولتی در زمینه آگاه سازی و پیشگیری از خشونت های خانگی، تقویت امکانات موجود نظیر اورژانس اجتماعی در محلات حاشیه نشین و تخصیص امکانات تخصصی تر در این زمینه، آموزش برنامه های عملیاتی به قربانیان خشونت به منظور حفظ امنیت خود و فرزندانشان نیازمندیم.

کتابنامه

- آبو، پاملا و والاس ماکلر، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، نشر نی.
- احمدی، بتول و همکاران، (۱۳۸۷)، دیدگاه زنان و مردان تهرانی و صاحب نظران درباره خشونت خانگی علیه زنان در ایران (یک پژوهش کیفی)، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۶، شماره ۲ تابستان ۱۳۸۷، صص ۸۱-۶۷.
- استراوس، آنسلم و کوربین، جودیت، (۱۳۹۴)، مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۰)، خشونت خانوادگی « زنان کتک خورده»، انتشارات نشر سالی.
- بهرامی، ولی، شریفی، اسماعیل، (۱۴۰۱)، مطالعه داده بنیاد خشونت خانگی علیه زنان شهرستان پلدختر مورد مطالعه روستاهای زیودار، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰.

۸۸ پژوهش‌نامه زنان، سال ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲

تعاونی، مژگان، گنجی، محمد، قماش، سعید، (۱۳۹۷) مطالعه جرم شناختی خشونت علیه زنان در شهر زاهدان، پژوهش‌نامه زنان، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱-۲۸.
جاوید، نورمحمد و همکاران، (۱۳۸۷)، بررسی پدیده همسرکشی زنان، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۱۳، صص ۱۴۹-۱۷۰.

حسین آبادی، محمود، احمدی، رحمت اله، اسماعیلی، علیرضا، نعیمی، محمد رضا، (۱۴۰۲)، تاثیر عوامل جامعه شناختی بر کنش های خشونت آمیز خانگی علیه زنان خشونت دیده مراجعه کننده به مراکز اورژانس اجتماعی بهزیستی استانهای سراسر کشور، فصلنامه زن و جامعه، تابستان ۱۴۰۲، دوره ۱۵، شماره ۵۴.

رئیس، سمیه و بوستانی، داریوش، (۱۴۰۰)، مطالعه کیفی خشونت علیه زنان بلوچ، فصلنامه زن و جامعه، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۱۲، شماره ۴۶.

زمانی مقدم، مسعود و حسونندی، صبا، (۱۳۹۸)، مطالعه ی کیفی خشونت علیه زنان خانه دار در شهر خرم‌آباد، فصلنامه زن و جامعه، سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸.
عبدی، عباس، (۱۳۹۳)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، نشرنی.

فروارد، سوزان، (۱۳۷۷)، مردان زن ستیز، ترجمه ی شیما نعمت‌اللهی، انتشارت خجسته.
ملکی، امیر و نژاد سبزی، پروانه، (۱۳۸۹)، رابطه ی مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم‌آباد، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹.
یزدخواستی، بهجت و شیر، حامد، (۱۳۸۷)، ارزش های پدرسالاری و خشونت علیه زنان، مطالعات زنان، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۷، صص ۷۹-۵۵.

Alves & et al. (2019). Evolution and Analysis of Cultural and Cognitive Factors Related With Domestic Violence Against Women. *Journal of Interpersonal Violence*. 34 (3): 621--641.

Brown, Laura; Lowe, Hattie; Gibbs, Andrew; Smith, Colette & Mannell, Jenevieve. (2023). High-Risk Contexts for Violence Against Women: Using Latent Class Analysis to Understand Structural and Contextual Drivers of Intimate Partner Violence at the National Level. *Journal of Interpersonal Violence*. 38 (1-2) 1007-1039.

Camarin, G. (2020). Exploring community narratives of violence against women among domestic violence responders in Guam- *American journal of community Psychology*.

Grenfel, Michael (2009), Key Concepts of Pierre Bourdieu, Translation by Mohammad Mehdi Labibi, Tehran, Thoughts, (In Persian).

Kalokhe, Ameeta & et al. (2017). Domestic violence against women in India: A systematic review of a decade of quantitative studies. *Global Public Health: An International Journal for Research, Policy and Practice*. 12 (4): 498-513.

Morris, M, (1996). *Deviance and Control*, London: Hatchinson.

مطالعه کیفی خشونت خانگی علیه زنان ... (محمدتقی سبزه‌ای و امین روشن‌پور) ۸۹

Seltzer, J. A.; Kalmuss, Debra (1988). "Socialization and Stress Explanations for Spouse Abuse".
Social Forces, 67(2): 473-491.

Tong, A. R. W. C. (2003). A Multivariate Path Model for Understanding Male Spousal Violence
Against Women: A Canadian Study. PhD Thesis. Canada: University of Toron.

Turner, J. H. (2003). The Structure of Sociological Theory. California.

Yanowa, Dvora& Schwartz-shea, peregrine(2006), interpretation and method empirical research
methods and the interpret tive BY M.E, SHARPE London Inc.

Thomson, Wadsworth.